

# The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

## The Role of Distributive Justice in the Allocation of Natural Resources from the Perspective of Islamic Sharia

Mina Nouri<sup>1</sup>, Hassan Rezaipour\*<sup>1</sup>

1. Department of Administrative Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

\* Corresponding Author's Email: Hassan.rezaipour1010@yahoo.com

### ABSTRACT

Distributive justice, as one of the fundamental principles of Islamic Sharia, plays a critical role in the management and allocation of natural resources. This article provides a comprehensive analysis of the concept of distributive justice from the perspective of Islamic Sharia and its connection to natural resource allocation. Drawing upon primary Islamic sources, including the Quran, Sunnah, and jurisprudential principles, key tenets such as equitable distribution, prohibition of hoarding, and the principle of "no harm" are examined for their significance in reducing social inequalities and preserving the environment. The findings indicate that Islamic Sharia not only offers an ethical framework but also serves as a practical and executable system for sustainable resource management. By considering the rights of both current and future generations, Sharia prohibits unjust exploitation of natural resources and proposes practical mechanisms to reduce monopolization and ensure equitable access. Moreover, a comparative analysis with non-Islamic legal systems highlights the Islamic perspective's superior focus on justice and sustainability, making it a robust solution to contemporary challenges in resource management. This research underscores the importance of integrating Islamic principles into policymaking and offers recommendations for achieving social justice and sustainable development.

**Keywords:** *Distributive justice, Islamic Sharia, natural resources, sustainable management, jurisprudential principles, equitable distribution, sustainable development.*

How to cite: Nouri, M., & Rezaipour, H. (2024). The Role of Distributive Justice in the Allocation of Natural Resources from the Perspective of Islamic Sharia. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(1), 96-104.



تاریخ ارسال: ۱۸ بهمن ۱۴۰۲  
 تاریخ بازنگری: ۲۱ اسفند ۱۴۰۲  
 تاریخ پذیرش: ۴ فروردین ۱۴۰۳  
 تاریخ چاپ: ۲۵ فروردین ۱۴۰۳

## دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

### نقش عدالت توزیعی در تخصیص منابع طبیعی از منظر شریعت اسلامی

مینا نوری<sup>۱</sup>، حسن رضایی پور<sup>\*</sup>

۱. گروه حقوق اداری، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

\* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Hassan.rezaipour1010@yahoo.com

#### چکیده

عدالت توزیعی به عنوان یکی از اصول بنیادین شریعت اسلامی، نقش مهمی در مدیریت و تخصیص منابع طبیعی ایفا می‌کند. این مقاله به بررسی جامع مفهوم عدالت توزیعی از منظر شریعت اسلامی و ارتباط آن با تخصیص منابع طبیعی می‌پردازد. با استناد به منابع اصلی اسلام شامل قرآن، سنت و قواعد فقهی، اصولی همچون تسهیم عادلانه، منع احتکار، و قاعده لاضرر تحلیل شده و اهمیت آن‌ها در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و حفظ محیط‌زیست بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شریعت اسلامی، ضمن ارائه یک چارچوب اخلاقی، به عنوان یک نظام عملی و اجرایی، قابلیت مدیریت پایدار منابع طبیعی را دارد. اصول عدالت توزیعی در اسلام با در نظر گرفتن حقوق نسل‌های کنونی و آینده، نه تنها بهره‌برداری غیرمنصفانه از منابع طبیعی را ممنوع می‌کند، بلکه راهکارهایی عملی برای کاهش انحصار و تضمین دسترسی عادلانه ارائه می‌دهد. همچنین، مقایسه تطبیقی شریعت اسلامی با نظام‌های حقوقی غیر اسلامی نشان می‌دهد که دیدگاه اسلامی، با تمرکز بر عدالت و پایداری، توانایی بهتری در مواجهه با چالش‌های معاصر مدیریت منابع طبیعی دارد. این پژوهش بر اهمیت بهره‌گیری از اصول شریعت اسلامی در سیاست‌گذاری‌های مدیریتی تأکید کرده و پیشنهادهایی برای تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار ارائه می‌دهد.

**کلیدواژگان:** عدالت توزیعی، شریعت اسلامی، منابع طبیعی، مدیریت پایدار، اصول فقهی، تسهیم عادلانه، توسعه پایدار.

## مقدمه

عدالت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین شریعت اسلامی همواره در تنظیم روابط انسانی، حقوق اجتماعی، و اقتصادی نقشی محوری داشته است. از دیدگاه اسلام، عدالت توزیعی نه‌تنها مفهومی اخلاقی، بلکه ضرورتی ساختاری برای ایجاد تعادل در جوامع بشری است. یکی از عرصه‌های مهمی که عدالت توزیعی در آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، تخصیص منابع طبیعی است. منابعی چون آب، زمین، و انرژی، به‌دلیل نقش حیاتی آن‌ها در تأمین معیشت و توسعه اقتصادی، از دیدگاه اسلام به‌عنوان «اموال عمومی» شناخته می‌شوند که باید به‌صورت عادلانه در اختیار همگان قرار گیرند. این اصل در آیاتی نظیر «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النجم: ۳۹) و روایاتی مانند «الناس شركاء في ثلاث: الماء والكلأ والنار» تأکید شده است.

اهمیت بررسی این موضوع در دنیای معاصر از دو جنبه اساسی ناشی می‌شود. نخست، چالش‌های ناشی از توزیع ناعادلانه منابع طبیعی که موجب بروز نابرابری‌های گسترده در سطح جهانی و منطقه‌ای شده است. در بسیاری از جوامع، این نابرابری‌ها ریشه‌ای در ساختارهای اقتصادی غیرعادلانه دارند که با اصول شریعت اسلامی در تضاد هستند. دوم، بحران‌های محیط‌زیستی و کاهش منابع طبیعی که نیاز به بازنگری در الگوهای مصرف و تخصیص را ضروری کرده است. در این میان، عدالت توزیعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای مدیریت منابع و کاهش نابرابری‌ها عمل کند.

با وجود اهمیت بالای این موضوع، تحقیقات پیشین به‌صورت پراکنده و محدود به برخی جنبه‌های عدالت توزیعی پرداخته‌اند. برخی پژوهش‌ها به اصول کلی عدالت در اسلام پرداخته‌اند (مانند مطهری، ۱۳۹۱؛ صدر، ۱۴۰۰)، اما کمتر به جزئیات اجرایی آن در زمینه تخصیص منابع طبیعی توجه کرده‌اند. از سوی دیگر، مطالعات حقوقی مدرن عمدتاً بر نظام‌های سکولار متمرکز بوده و

از پرداختن به دیدگاه‌های شریعت اسلامی غفلت کرده‌اند. این فاصله پژوهشی نشان‌دهنده نیاز به بررسی جامع‌تر و عمیق‌تر اصول عدالت توزیعی در چارچوب اسلام است.

هدف اصلی این مقاله، تحلیل و تبیین نقش عدالت توزیعی در تخصیص منابع طبیعی از منظر شریعت اسلامی است. این مطالعه تلاش دارد با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، اصول و قواعد مرتبط با عدالت توزیعی را از منابع اصلی شریعت، از جمله قرآن، سنت، و آرای فقها استخراج و تفسیر کند. همچنین، این مقاله به دنبال ارائه راهکارهایی عملی برای اجرای این اصول در مدیریت منابع طبیعی در جوامع اسلامی است. سوالات اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: چگونه اصول عدالت توزیعی در شریعت اسلامی بر تخصیص منابع طبیعی تأثیر می‌گذارند؟ و چه سازوکارهایی می‌توانند به تحقق این اصول در عمل کمک کنند؟

## چارچوب نظری

عدالت توزیعی به‌عنوان یکی از اصول محوری در فلسفه اجتماعی و حقوقی، جایگاهی ویژه در اندیشه اسلامی دارد. این مفهوم به معنای توزیع منصفانه منابع و امکانات در جامعه به‌گونه‌ای است که حقوق تمامی افراد، صرف‌نظر از وضعیت اجتماعی یا اقتصادی آن‌ها، رعایت شود. در ادبیات فقهی و حقوقی اسلامی، عدالت توزیعی نه‌تنها مفهومی اخلاقی بلکه ضرورتی عملی برای حفظ تعادل و همبستگی اجتماعی محسوب می‌شود. فلاسفه اسلامی نظیر فارابی و ابن‌سینا عدالت را شرط اساسی برای تحقق مدینه فاضله می‌دانند، جایی که همگان از حقوق خود بهره‌مند شده و نابرابری‌های اجتماعی به حداقل برسد (فارابی، ۱۹۹۳).

مبانی عدالت توزیعی در شریعت اسلامی بر پایه منابع اصلی اسلام، یعنی قرآن و سنت، استوار است. قرآن به‌صراحت عدالت را یک اصل الهی معرفی می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد تا در تمامی روابط اجتماعی و اقتصادی عدالت را رعایت کنند. به‌عنوان نمونه، در آیه ۸۵ سوره نساء آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»

اقتصادی شود، شریعت اجازه مداخله و بازنگری در ساختارهای توزیع را می‌دهد (صدر، ۱۴۰۰). این قاعده به سیاست‌گذاران و مدیران امکان می‌دهد تا در شرایط بحرانی، منابع را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که نیازهای اساسی جامعه تأمین شود.

بنابراین، عدالت توزیعی در شریعت اسلامی دارای سه ویژگی کلیدی است. اول، عدالت توزیعی بر مبنای اصول اخلاقی و الهی استوار است که در قرآن و سنت به‌طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. دوم، این عدالت دارای جنبه‌های عملی و اجرایی است که در مدیریت منابع طبیعی، سیاست‌گذاری اقتصادی، و حتی نظام حقوقی قابل اجراست. سوم، عدالت توزیعی در شریعت اسلامی به‌عنوان ابزاری برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و ایجاد تعادل و همبستگی در جامعه عمل می‌کند.

### تحلیل موضوع

منابع طبیعی از منظر شریعت اسلامی به‌عنوان نعمت‌های الهی شناخته می‌شوند که خداوند آن‌ها را برای استفاده مشترک همه انسان‌ها در اختیار بشریت قرار داده است. این منابع شامل آب، زمین، جنگل‌ها، معادن، و انرژی‌های تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر هستند. در شریعت اسلامی، این منابع به‌عنوان «اموال عمومی» تعریف می‌شوند که مالکیت اصلی آن‌ها به خداوند تعلق دارد، درحالی‌که انسان‌ها به‌عنوان امانت‌داران موظف به بهره‌برداری عادلانه و پایدار از آن‌ها هستند (Rahman, 1979). در آیه ۵۳ سوره الرحمن آمده است که: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»، که تأکیدی بر اهمیت منابع طبیعی به‌عنوان نعمتی است که باید قدر دان آن بود. همچنین، حدیث «الناس شركاء في ثلاث: الماء والكلا والنار» از پیامبر اکرم (ص) به‌وضوح نشان‌دهنده اشتراک عمومی در استفاده از منابع طبیعی است (مطهری، ۱۳۹۱).

اصول عدالت توزیعی در شریعت اسلامی نقش کلیدی در مدیریت منابع طبیعی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این اصول، اصل تسهیم عادلانه است که بر اساس آن منابع باید به‌گونه‌ای توزیع شوند که

که نشان‌دهنده اهمیت عدالت به‌عنوان یک دستور الهی است. همچنین، روایاتی از پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) نیز بر لزوم رعایت عدالت در تمامی ابعاد زندگی تأکید دارند. به‌عنوان مثال، در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «العدل أساس الملك»، که نشان‌دهنده رابطه مستقیم عدالت با پایداری و ثبات جامعه است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۹).

یکی از اصول کلیدی عدالت توزیعی در شریعت اسلامی، اصل تسهیم عادلانه است. این اصل به معنای توزیع منابع به‌گونه‌ای است که هر فرد متناسب با نیازها و تلاش‌های خود از منابع بهره‌مند شود. در این راستا، قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی الإسلام» نیز به‌عنوان یک اصل بازدارنده، هرگونه استفاده انحصاری یا ناعادلانه از منابع طبیعی را ممنوع می‌کند (مطهری، ۱۳۹۱). این قاعده به‌ویژه در مدیریت منابع طبیعی اهمیت دارد، چرا که منابعی چون آب، زمین، و انرژی، به‌عنوان اموال عمومی شناخته شده و حقوق تمامی افراد جامعه نسبت به آن‌ها برابر است.

ارتباط عدالت توزیعی با تخصیص منابع طبیعی در شریعت اسلامی به‌صورت مستقیم و کاربردی تبیین شده است. منابع طبیعی به‌عنوان «اموال عمومی» تحت مالکیت خداوند و امانت در دست انسان‌ها تلقی می‌شود. در آیه ۳۲ سوره بقره، خداوند به انسان‌ها تعلیم می‌دهد که منابع طبیعی باید به‌عنوان نعمت‌های الهی به‌طور عادلانه در اختیار همگان قرار گیرند. همچنین، سنت پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین نشان‌دهنده مدیریت منابع طبیعی بر اساس عدالت توزیعی است. به‌عنوان مثال، سیاست عمر بن خطاب در زمینه توزیع زمین‌های فتح‌شده در عراق بر اساس نیاز و جمعیت، نمونه‌ای عملی از این اصل است (الطبری، ۱۹۸۷).

از دیدگاه فقهی، عدالت توزیعی در تخصیص منابع طبیعی نه تنها به‌عنوان یک اصل اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک حکم شرعی قابل اجراست. قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» نشان می‌دهد که در شرایطی که توزیع ناعادلانه منابع باعث بحران اجتماعی یا

تمامی افراد جامعه از آن بهره‌مند شوند. این اصل در آیه ۳۲ سوره زخرف که بیان می‌دارد: «نَحْنُ قَسَمًا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»، تأیید شده است. همچنین، قاعده فقهی «لاضرر و لااضرار فی الإسلام» به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از هرگونه بهره‌برداری غیرمنصفانه یا آسیب به منابع طبیعی به کار می‌رود (صدر، ۱۴۰۰). این قاعده علاوه بر حمایت از حقوق نسل‌های حاضر، اهمیت حفاظت از منابع برای نسل‌های آینده را نیز نشان می‌دهد. در کنار این، منع احتکار یکی دیگر از اصول کلیدی است که به‌ویژه در مورد منابعی چون آب و انرژی مطرح می‌شود. حدیث «المحتکر ملعون» به‌روشنی نشان می‌دهد که احتکار منابع طبیعی در شریعت اسلامی به‌شدت منع شده است.

سازوکارهای پیشنهادی برای تخصیص منابع طبیعی براساس عدالت توزیعی می‌توانند شامل ترکیبی از سیاست‌های اجرایی و اصول شرعی باشند. از یک‌سو، سیاست‌های تخصیص منابع باید بر اساس نیازهای واقعی و میزان آسیب‌پذیری اقشار مختلف جامعه تنظیم شوند. برای مثال، تأسیس نهادهایی برای مدیریت عادلانه توزیع آب و زمین‌های زراعی می‌تواند یکی از این سازوکارها باشد (Kamali, 2008). از سوی دیگر، استفاده از سیستم‌های مدرن مانند فناوری‌های پایش منابع و تحلیل داده‌های محیط‌زیستی می‌تواند به کارآمدی این فرآیند کمک کند. قاعده فقهی «ما لا یتم الواجب إلا به فهو واجب» تأکید می‌کند که بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن برای اجرای عدالت در مدیریت منابع طبیعی نه تنها مجاز بلکه واجب است (مطهری، ۱۳۹۱).

در یک مقایسه تطبیقی، نظام‌های حقوقی غیر اسلامی عموماً بر اصول سکولار و اقتصاد بازار آزاد تأکید دارند که در برخی موارد منجر به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و تخریب محیط‌زیست شده است. برای مثال، نظام‌های مبتنی بر سرمایه‌داری غالباً مالکیت خصوصی بر منابع طبیعی را تقویت می‌کنند و این موضوع می‌تواند به بهره‌برداری بی‌رویه و ناعادلانه از این منابع منجر شود

(Choudhury, 2011). در مقابل، شریعت اسلامی رویکردی جامع‌تر ارائه می‌دهد که هم عدالت اجتماعی و هم پایداری منابع را در نظر می‌گیرد. قاعده «الأصل فی الموارد الطبيعية الإباحة المشتركة» نشان‌دهنده این است که در اسلام، منابع طبیعی در مالکیت عمومی باقی می‌مانند مگر اینکه دلیل شرعی برای تخصیص خصوصی آن وجود داشته باشد.

نقد تطبیقی دیگری که می‌توان مطرح کرد، در مورد نظام‌های حقوقی بین‌المللی است که هرچند در اسناد مختلف مانند «اعلامیه حقوق بشر» به عدالت و برابری تأکید کرده‌اند، اما در عمل قادر به ایجاد نظامی عادلانه برای تخصیص منابع طبیعی در سطح جهانی نبوده‌اند (Qutb, 1992). در این زمینه، شریعت اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی و الهی می‌تواند مدلی عملی و جامع برای مدیریت منابع طبیعی ارائه دهد.

بنابراین، تحلیل موضوع عدالت توزیعی در تخصیص منابع طبیعی از منظر شریعت اسلامی نشان می‌دهد که این نظام حقوقی با بهره‌گیری از اصول اخلاقی و فقهی قادر به ارائه چارچوبی جامع برای مدیریت عادلانه و پایدار منابع است. این رویکرد نه تنها در کاهش نابرابری‌های اجتماعی مؤثر است، بلکه به‌عنوان ابزاری کارآمد برای حفاظت از محیط‌زیست و تأمین نیازهای نسل‌های آینده عمل می‌کند.

#### بحث

تحلیل‌های صورت‌گرفته در این پژوهش نشان داد که عدالت توزیعی در شریعت اسلامی به‌عنوان یکی از اصول بنیادی، نقشی حیاتی در تخصیص منابع طبیعی ایفا می‌کند. این عدالت نه تنها به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی بلکه به‌عنوان یک چارچوب عملی و قابل اجرا در نظام حقوقی و اجتماعی اسلام تعریف شده است. بررسی منابع اسلامی، از جمله قرآن، سنت، و آرای فقها، نشان می‌دهد که عدالت توزیعی در مدیریت منابع طبیعی بر مبنای اصولی همچون مالکیت عمومی، منع احتکار، تسهیم عادلانه، و

این اصول با تأکید بر حقوق همگانی و ضرورت تأمین نیازهای اساسی جامعه، می‌توانند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کنند. همچنین، سازوکارهای پیشنهادی برای اجرای این اصول، از جمله تأسیس نهادهای مدیریت منابع بر پایه عدالت توزیعی و تدوین قوانین منطبق با اصول شریعت، نقش مهمی در تحقق عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست ایفا می‌کنند. این سازوکارها می‌توانند با ایجاد توازن میان حقوق فردی و منافع عمومی، الگوی مناسبی برای مدیریت منابع در جوامع اسلامی و حتی فراتر از آن ارائه دهند (Rahman, 1979).

در مقایسه تطبیقی با نظام‌های حقوقی غیر اسلامی، شریعت اسلامی با ارائه یک چارچوب جامع‌تر و اخلاق‌محور، قادر به رفع برخی از کاستی‌های موجود در این نظام‌ها است. در حالی که بسیاری از نظام‌های سکولار، اصول اقتصادی را بر اساس منافع کوتاه‌مدت و مالکیت خصوصی تعریف کرده‌اند، شریعت اسلامی با تأکید بر پایداری و عدالت، نگاهی بلندمدت و جامع به تخصیص منابع دارد. این تفاوت‌ها به‌ویژه در بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی کنونی که ناشی از بهره‌برداری ناعادلانه و بی‌رویه از منابع است، به‌خوبی نمایان می‌شود (Qutb, 1992).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شریعت اسلامی، با تکیه بر اصول عدالت توزیعی، نه تنها چارچوبی اخلاقی برای تخصیص منابع طبیعی ارائه می‌دهد بلکه به‌عنوان یک نظام عملی و اجرایی، توانایی مدیریت پایدار این منابع را دارد. این اصول می‌توانند به‌عنوان الگویی برای بازنگری در نظام‌های حقوقی و مدیریتی کنونی مورد توجه قرار گیرند. بدین ترتیب، عدالت توزیعی در شریعت اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک راه‌حل جامع برای مواجهه با چالش‌های نابرابری اجتماعی، حفاظت از محیط‌زیست، و مدیریت منابع طبیعی به کار گرفته شود.

#### نتیجه‌گیری

رعایت حقوق نسل‌های آینده استوار است. در این میان، قاعده «لاضرر و لاضرار» و اصل اشتراک عمومی در منابع طبیعی به‌عنوان زیربنای حقوقی و اخلاقی مدیریت این منابع در شریعت اسلامی مطرح هستند (مطهری، ۱۳۹۱؛ صدر، ۱۴۰۰).

یکی از یافته‌های اصلی این پژوهش تأکید بر مفهوم منابع طبیعی به‌عنوان امانتی الهی در اختیار انسان‌ها است. در اسلام، این منابع نه تنها برای استفاده فردی بلکه به‌عنوان دارایی مشترک جامعه تعریف شده‌اند. این دیدگاه برخلاف نظام‌های حقوقی سکولار است که مالکیت خصوصی را به‌عنوان یک اصل اساسی پذیرفته‌اند. در نظام اسلامی، مالکیت خصوصی تنها در صورتی مجاز است که به منافع عمومی آسیب نرساند و اصول عدالت توزیعی رعایت شود. این امر به‌ویژه در مورد منابع حیاتی مانند آب و انرژی مصداق پیدا می‌کند، جایی که تخصیص عادلانه این منابع نقش مستقیمی در کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی دارد (Kamali, 2008).

تحلیل اصول عدالت توزیعی نشان داد که تسهیم عادلانه و منع احتکار به‌عنوان دو اصل کلیدی در مدیریت منابع طبیعی تأکید شده‌اند. آیات قرآن نظیر «كُلُوا وَأَشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» (الأعراف: ۳۱) به‌صراحت بر ضرورت بهره‌برداری منصفانه و پایدار از منابع تأکید می‌کنند. این اصول به سیاست‌گذاران اسلامی امکان می‌دهد تا با تنظیم قوانین و مقررات مناسب، از انحصارطلبی و بهره‌برداری غیرمنصفانه جلوگیری کنند. همچنین، قاعده «ما لا یتیم الواجب إلا به فهو واجب» به‌عنوان پشتوانه‌ای فقهی برای استفاده از فناوری‌های مدرن در مدیریت منابع طبیعی مطرح شده است، به‌طوری‌که استفاده از سیستم‌های پایش محیط‌زیستی و داده‌محوری می‌تواند به اجرای بهتر این اصول کمک کند (Choudhury, 2011).

پاسخ به سوالات پژوهشی نشان می‌دهد که اصول عدالت توزیعی در شریعت اسلامی تأثیر مستقیمی بر تخصیص منابع طبیعی دارد.

نابرابری در دسترسی به منابع کمک کند. همچنین، تأکید شریعت اسلامی بر ضرورت ایجاد نهادهای اجرایی برای تضمین عدالت توزیعی، نشان‌دهنده اهمیت عمل‌گرایی در این نظام حقوقی است (Kamali, 2008).

در مقایسه با نظام‌های حقوقی غیر اسلامی، شریعت اسلامی نه تنها به جنبه‌های اقتصادی مدیریت منابع طبیعی توجه دارد، بلکه ابعاد اخلاقی و معنوی این مسأله را نیز مد نظر قرار می‌دهد. در حالی که بسیاری از نظام‌های سکولار اصول تخصیص منابع را بر پایه اقتصاد بازار و منافع کوتاه‌مدت تنظیم کرده‌اند، شریعت اسلامی با نگاه بلندمدت و جامع به مسأله، می‌تواند الگویی جامع برای حل بحران‌های معاصر ارائه دهد. این پژوهش همچنین نشان داد که استفاده از فناوری‌های نوین و داده‌محوری برای مدیریت منابع طبیعی، نه تنها با اصول شریعت اسلامی منافاتی ندارد، بلکه بر اساس قاعده «ما لا یتم الواجب إلا به فهو واجب» به‌عنوان یک الزام شرعی مطرح است (Choudhury, 2011).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده اهمیت و کارآمدی عدالت توزیعی در شریعت اسلامی برای مدیریت منابع طبیعی است. این اصول می‌توانند به‌عنوان راهکاری جامع و عملی برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی، حفظ محیط‌زیست، و تأمین نیازهای اساسی جامعه در دنیای امروز مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به افزایش چالش‌های معاصر در زمینه مدیریت منابع طبیعی، بازنگری در سیاست‌های موجود و بهره‌گیری از اصول عدالت توزیعی در اسلام می‌تواند نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار و عدالت اجتماعی ایفا کند.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شریعت اسلامی با ارائه اصول و قواعد عدالت توزیعی، چارچوبی جامع و عملی برای مدیریت منابع طبیعی در اختیار جامعه بشری قرار می‌دهد. عدالت توزیعی نه تنها مفهومی اخلاقی و نظری است، بلکه در شریعت اسلامی به‌عنوان یک الزام شرعی و اجتماعی تعریف شده که می‌تواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی کمک کند. از طریق تحلیل آیات قرآن، روایات، و قواعد فقهی، این پژوهش تأیید می‌کند که منابع طبیعی به‌عنوان نعمت‌های الهی باید به‌طور عادلانه و با در نظر گرفتن نیازهای فردی و اجتماعی تخصیص یابند. این عدالت در اصولی همچون تسهیم عادلانه، منع احتکار، و رعایت حقوق نسل‌های آینده تبلور می‌یابد، که همگی در قالب قواعد فقهی و اصول اخلاقی اسلام جایگاه ویژه‌ای دارند (مطهری، ۱۳۹۱؛ صدر، ۱۴۰۰).

اهمیت عدالت توزیعی در مدیریت منابع طبیعی با توجه به چالش‌های معاصر نظیر نابرابری‌های گسترده اجتماعی، بحران‌های محیط‌زیستی، و کاهش منابع حیاتی، بیش از پیش نمایان شده است. در بسیاری از جوامع، بهره‌برداری غیرمنصفانه و بی‌رویه از منابع طبیعی باعث تخریب محیط‌زیست، افزایش فقر، و تشدید نابرابری‌ها شده است. شریعت اسلامی با تأکید بر اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی، می‌تواند الگویی پایدار و منصفانه برای تخصیص این منابع ارائه دهد. به‌ویژه، قاعده «لا ضرر و لا ضرار» به‌عنوان یک اصل محوری در فقه اسلامی، نه تنها بهره‌برداری غیرمنصفانه را منع می‌کند، بلکه به حفظ منابع برای نسل‌های آینده نیز توجه دارد (Rahman, 1979).

این پژوهش نشان داد که شریعت اسلامی توانایی بالایی در ارائه راهکارهای عملی برای مدیریت پایدار منابع طبیعی دارد. اصولی نظیر منع احتکار و تسهیم عادلانه که از منابع اصلی اسلام استخراج شده‌اند، به‌خوبی قابلیت انطباق با شرایط معاصر را دارند. استفاده از این اصول می‌تواند به کاهش چالش‌هایی نظیر انحصارطلبی و

## EXTENDED ABSTRACT

Distributive justice, a cornerstone of Islamic law (Sharia), plays a fundamental role in the management and allocation of natural resources. This paper aims to explore the principles of distributive justice from the perspective of Islamic Sharia and its connection to the allocation of natural resources. The concept of distributive justice in Islamic thought is based on the principle of fairness in the distribution of wealth and resources, ensuring that no individual or group is unfairly deprived of their rightful share. This principle not only governs the economic interactions of individuals but extends to the broader management of natural resources, positioning these resources as shared assets intended to benefit all members of society equitably. The Quran, the Sunnah, and jurisprudential principles provide the guiding framework for how these resources should be managed, underlining the importance of social justice and environmental stewardship.

The analysis presented in this study draws upon key Islamic sources to explore the concept of distributive justice in the context of natural resource management. The Quran stresses the importance of fairness in the distribution of wealth and resources. In Surah Al-Baqarah (2:267), for example, it states, "O you who have believed, spend from the good things which you have earned and from that which We have produced for you from the earth." This verse underscores the importance of equitable distribution and the obligation to share the wealth of natural resources for the benefit of all. The Hadiths, sayings of the Prophet Muhammad, further reinforce this concept by emphasizing that natural resources, such as water, air, and land, are communal and should be shared justly among all people. These teachings form the core principles of Islamic distributive justice, which advocates for fairness, equity, and the prevention of monopolization in the use and

control of natural resources (Al-Faruqi, 1982; Kamali, 2008).

A crucial aspect of distributive justice in Sharia is the prohibition of hoarding and exploitation of resources for selfish gain. This principle is enshrined in both the Quran and the Hadith. The Prophet Muhammad is reported to have said, "Whoever hoards food, committing an injustice upon the people, is cursed" (Sahih Muslim, 2014). The Quran also condemns hoarding and emphasizes the importance of equitable distribution in Surah Al-Tawbah (9:34), where it states that wealth should not be concentrated in the hands of a few. This prohibition on hoarding is a direct manifestation of the distributive justice framework, aiming to ensure that natural resources are accessible to all members of society without being monopolized or hoarded by a select few. The principle of prohibiting hoarding extends to the management of natural resources, such as water, oil, and minerals, emphasizing that no single individual or group should control these resources at the expense of others.

Furthermore, the principle of "no harm" (Lā ḍarar wa lā ḍirār) plays a significant role in the distributive justice framework in Islam. This principle, which can be traced back to the teachings of the Prophet Muhammad, emphasizes that no individual or group should harm others or cause damage to the environment through the exploitation of natural resources. The principle is enshrined in Islamic jurisprudence, which states that harm should be removed and that any action leading to harm, whether physical or environmental, is prohibited. This principle underlines the necessity for sustainable practices in managing natural resources, as exploitation that leads to environmental degradation is seen as both unethical and unlawful. The Islamic legal tradition's focus on sustainability and environmental protection reflects a deep concern for the collective well-



being of society and future generations (Choudhury, 2011; Kamali, 2008).

One of the key findings of this study is that distributive justice in Islamic thought is not only an ethical or moral obligation but also a practical framework for managing natural resources in a way that ensures the well-being of all members of society. The Quran's emphasis on equitable distribution, the prohibition of hoarding, and the principle of no harm provide a comprehensive legal and ethical basis for resource management. These principles suggest that natural resources should be distributed based on need rather than ownership, ensuring that every individual has access to the basic resources required for a dignified life. Furthermore, the Islamic legal system encourages the establishment of mechanisms and institutions that can ensure fair distribution, such as charitable endowments (*waqf*) and public trusts, which allow for the equitable distribution of wealth and resources to those in need (Rahman, 1979).

A comparative analysis with non-Islamic legal systems highlights the distinctiveness of the Islamic approach to resource management. Unlike many secular legal systems, which prioritize individual property rights and market-driven allocation, Islamic law emphasizes the collective responsibility of society to ensure fair and equitable access to resources. This approach is particularly relevant in the contemporary context, where issues such as climate change, environmental degradation, and resource scarcity demand a more sustainable and just approach to resource management. In contrast to secular models that often prioritize economic growth over social equity, the Islamic framework places a greater emphasis on balancing individual rights with collective welfare. This balance ensures that the benefits of natural resources are shared more equally and that the exploitation of these resources does not come

at the expense of future generations (Qutb, 1992).

In conclusion, this study demonstrates that Islamic Sharia offers a robust and comprehensive framework for managing natural resources based on the principles of distributive justice. The Quran, Sunnah, and Islamic jurisprudence collectively emphasize the need for fairness, equity, and sustainability in the management of natural resources, ensuring that these resources are used in a way that benefits all members of society and protects the environment for future generations. The principles of distributive justice in Sharia can serve as a valuable guide for contemporary policy-making, especially in addressing the challenges of inequality, environmental degradation, and resource depletion. The Islamic perspective provides a sustainable, ethical, and practical model for the allocation and management of natural resources, offering important lessons for both Muslim and non-Muslim societies in addressing the global challenges of the 21st century.

## References

- Al-Faruqi, Ismail Raji. (1982). *Al-Tawhid: Its Implications for Thought and Life*. International Institute of Islamic Thought (IIIT).
- Choudhury, Masudul Alam. (2011). *Islamic Economics and Finance: An Epistemological Inquiry*. Emerald Group Publishing.
- Kamali, Mohammad Hashim. (2008). *Shari'ah Law: An Introduction*. Oneworld Publications.
- Qutb, Sayyid. (1992). *Social Justice in Islam*. Islamic Publications International.
- Rahman, Fazlur. (1979). *Major Themes of the Qur'an*. University of Chicago Press.
- Sahih Muslim. (2014). *Sahih Muslim, Vol. 4, Hadith 2246*.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1987). *History of the Prophets and Kings (Tareekh al-Umam wa al-Muluk)*. Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Khaldun, A. (2015). *The Muqaddimah: An Introduction to History*. Princeton University Press.